

مراغہ

در بحبوحہ حزب تودہ و فرقہ دموکرات

تالیف و تحقیق: دکتر جلال جلال شومی

دکتر منصور پور مؤذن - دکتر یوسف بیک بلماپور

سرشناسه	: جلال شکوهی، جلال، ۱۳۳۹
عنوان و نام پدیدآور	: مراغه در بختوجه حزب توده و فرقه دموکرات/ تألیف و تحقیق جلال جلال شکوهی، منصور یورمؤذن، یوسف بیگ باباپور.
مشخصات نشر	: تهران: منشور سمیر: بنیاد شکوهی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری	: ۴۷۵ ص.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۰۹۹-۹
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
یادداشت	: کتابنامه.
موضوع	: مراغه -- تاریخ -- قرن ۱۴ق.
موضوع	: حزب توده ایران
موضوع	: Hezb Tudeh Iran
موضوع	: فرقه دموکرات آذربایجان
موضوع	: Ferqeh Democrat Azarbayjan
موضوع	: Maragheh (Iran) -- History -- 20th century
شناسه افزوده	: یورمؤذن، منصور، ۱۳۲۵
شناسه افزوده	: بیگ باباپور، یوسف، ۱۳۵۷
شناسه افزوده	: beigbabapour, Yousef
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۶ ۸۲ج۲ / ۱۳۱ DSRT
رده بندی دیویی	: ۹۵۵/۳۳۶۵
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۸۸۹۹۶۷



انتشارات منشور سمیر

مراغه در بختوجه حزب توده و فرقه دموکرات

تألیف و تحقیق:

دکتر جلال جلال شکوهی، دکتر منصور یورمؤذن، دکتر یوسف بیگ باباپور

ناشر: منشور سمیر با همکاری همکاری بنیاد شکوهی

شمارگان: ۳۰۰ نسخه

نوبت چاپ: اول- ۹۶

قیمت دوره: ۵۰۰۰۰۰ ریال

شابک جلد: ۹۷۸-۶۰۰-۴۶۷-۰۹۹-۹

تاس: ۹۳۶۱۷۷۷۱۱۹

www.manshoorsamir.ir

حق چاپ: ۱۳۹۶، انتشارات منشور سمیر

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره کامپیوتری، اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی و اقتباس در گیومه در مستندنویسی و مانند آن‌ها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

مقدمه	۱۱
فصل اول: حزب توده، فرقه، دموکرات آذربایجان در یک نگاه	۲۶
فصل دوم: مراغه بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۳	۱۲۶
فصل سوم: تشکیل حزب توده در مراغه	۱۵۹
فصل چهارم: تحولات مراغه در سال ۱۳۲۴ ش	۱۹۲
فصل پنجم: تحولات مراغه از سقوط فرقه تا شروع اصلاحات ارضی	۳۰۳
فصل ششم: تحولات سیاسی مراغه از ۱۳۲۶ تا ۱۳۳۰	۳۶۱
فصل هفتم: تحولات مراغه از ۱۳۳۰ تا آغاز اصلاحات ارضی	۳۸۳
کتابنامه	۴۶۹

مقدمه

شهرستان مراغه در استان آذربایجان شرقی در مشرق دریاچه ی ارومیه و بر دامنه ی جنوبی کوه سهند قرار گرفته و از شمال به شهرستان تبریز و ارتفاعات کوه- های سهند با حداکثر ارتفاع ۳۷۱۰ متر و از سمت مشرق به شهرستان هشترود و رشته کوه های شرقی با حداکثر ۲۵۰۰ متر ارتفاع از سطح دریا و از جنوب به جلگه ی کنار دریاچه ی ارومیه و کوه های کم ارتفاع با حداکثر ۱۵۰ متر و بالاخره از مغرب به دریاچه ی ارومیه با ارتفاع تقریبی ۱۲۷۵ متر از سطح دریا محدود است. این شهرستان در فاصله ی ۴۵ درجه و ۳۰ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۳۱ دقیقه طول و ۳۶ درجه و ۵۲ دقیقه تا ۳۷ درجه و ۳۸ دقیقه عرض جغرافیایی واقع شده است. آثار و نوشته های مورخین و محققین ادوار گذشته وجود این واحد جغرافیایی را در دوران قبل از اسلام و در دوره های بعدی به طور حتم مسلم می سازد. از مطالعه و بررسی این گونه اسناد می توان نتیجه گرفت که موقعیت جغرافیایی این شهرستان کم و بیش با محدوده ی جغرافیایی آن در ادوار گذشته منطبق می باشد.

فاصله‌ی بین سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۴۰ از دوره‌های بسیار مهم در تاریخ معاصر ایران می‌باشد. رویدادهای مهمی همچون حمله‌ی نیروهای متفقین به ایران، به خصوص اشغال آذربایجان توسط شوروی سقوط رضا شاه، روی کار آمدن محمدرضا شاه، آزادی نسبی احزاب و انتشار روزنامه‌ها، فعالیت گسترده‌ی حزب توده، تشکیل فرقه‌ی دموکرات آذربایجان، ملی شدن صنعت نفت، کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و سقوط دولت دکتر مصدق، اصلاحات ارضی و بسیاری از رویدادهای دیگر از جمله مواردی است که در این کتاب سعی بر این است که به بررسی و تأثیر این تحولات در طی دو دهه در منطقه‌ی مراغه پرداخته شود.

سقوط رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ و از بین رفتن استبداد رضا خانی، نارضایتی‌های اجتماعی سرکوب شده در سال‌های گذشته را دوباره مطرح کرده و باعث شد که افراد روشنفکری چون سید اسماعیل پیمان، سید محمد موسوی، بولود قاراچورلو (سهند)، اسماعیل حمیدیه و بسیاری دیگر دوباره به صحنه بازگشته و به فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی روی آورند. از سوی دیگر علما و روحانیان سرشناس شهر که با شدت گرفتن اقدامات سخت‌گیرانه رضایان در تعطیلی حسینیه‌ها و اماکن مذهبی و جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی، گوشه‌ی عزلت گزیده بودند، دوباره به فعالیت مجدد و احیای نقش مهم و حیاتی خود روی آوردند، که سعی گردیده است که این اقدامات و تحولات ناشی از آن مورد بررسی قرار گیرد.

از سوی دیگر موضوعی که در تاریخ معاصر مراغه نقش بسیار مهمی داشته و تلاش بر این است که در این کتاب به طور مشروح به آن اشاره گردد، اشغال مراغه توسط نیروهای ارتش شوروی و تبعات آن در زندگی مردم می‌باشد. در اولین روز هجوم ارتش شوروی به جنوب آذربایجان، فرماندار، روسای ادارات، فرماندهان نظامی به جز عده‌ی بسیار معدودی مقدمات فرار را آماده کردند. فرار دولت مردان

اَعم از نظامی و غیر نظامی در مواقع بحرانی و تنها گذاشتن مردم بی دفاع شهر، یک واقعیت تلخی است که در تاریخ مراغه ثبت شده است.

تأسیس فرقه دموکرات آذربایجان در سال ۱۳۲۴ تأثیر بسیار عمیقی در کلیه شئون اقتصادی، اجتماعی فرهنگی و مذهبی مردم مراغه داشت. با توجه به شعارهای رهبران فرقه که یکی از اهداف تأسیس فرقه را اجرای عدالت اجتماعی به ویژه در روستاها و تقسیم اراضی کشاورزی بین روستاییان و مبارزه با نظام ارباب و رعیتی و جلوگیری از انحصارات مالکین در روستاها اعلام می کردند. با توجه به وجود مالکین قدرتمند و روستاهای فراوان در مراغه، شعارهای فرقه در بین روستاییان طرفداران زیادی پیدا کرد لذا به سرعت یکی از شهرهای پیشگام در تشکیل حکومت فرقه در آذربایجان گردید که در آن کتابخانه به چگونگی روند شکل گیری و به قدرت رسیدن حکومت فرقه در منطقه و واکنش مردم مراغه به آن اشاره خواهد گردید.

موضوع مورد بحث دیگر در کتاب به سه بحولات مراغه از سقوط فرقه تا شروع اصلاحات ارضی می باشد. در این دوره ی ۱۵ ساله، مراغه شاهد رویدادهای مهمی چون تشکیل دادگاه نظامی، محاکمه و اعدام بسیاری از فداییان فرقه همچون ژنرال کبیری، حیدر آفاقی و...، برگزاری انتخابات مجلس پانزدهم تا بیستم، قحطی شدید در مراغه در طی سال های ۱۳۲۷ تا ۱۳۲۹، مبارزات مردم مراغه در حمایت از دکتر مصدق در ۱۳۳۲ بود.

در تاریخ معاصر نام مراغه همواره با نام اصلاحات ارضی عجین بوده است. مراغه لقب شهر پیشاهنگ انقلاب سفید شاه را گرفت و برای اولین بار قانون اصلاحات ارضی در این شهر اجرا گردید. در این رساله سعی براین است که تاریخچه ی اصلاحات ارضی، قانون و مراحل اجرایی اصلاحات ارضی، مسئولین پروژه اصلاحات ارضی در مراغه، مسافرت شاه به مراغه جهت اعطای اسناد املاک

واگذاری شده به روستاییان و علل انتخاب شهر مراغه را به عنوان پیشاهنگ انقلاب، مورد بررسی قرار گیرد.

جامعه ایران در دوره ی سلطنت قاجار، بر شالوده ی پادشاهی اقتدارگرا، با قدرتی بی حد و مرز بر تمام شئون اقتصاد، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی کشور استوار بود. این اقتدار بر پایه ی ویژگی ها و شایستگی های فردی پادشاه استوار نبود، بلکه به حکم مقام شاهی کسب شده بود. شاهزادگان، وابستگان درباری و دولت بردان در هاله ای از ناتوانی و ناآگاهی نسبت به مسائل داخلی و بین المللی به سر می بردند. مردم سال ها به این وضعیت خو کرده و در مورد امکان تغییر شرایط اندیشه ای نمی کردند و یا ابزاری برای تحقق آن نمی یافتند. ولی رویدادها و تحولاتی که با گذشت زمان رخ می داد، نشان داد که زمینه ی گذر از این وضعیت به وجود آمده است که اولین برقه ی آن در نهضت معروف تنباکو با فتوای مراجع عظیم الشأن جهان تشیع زده شد. تحجیم و سرف تنباکو توسط مردم همچون تیری بود که بر پیکره ی نظم کهن فرو آمده و با لغو این امتیاز، به حیثیت دولت استعماری انگلستان در ایران لطمه بسیار زد. وارد شد و نتیجه ی دیگر آن، درهم شکسته شدن اقتدار شاهی بود. شاه که عطفی هم پیوستی تمام ترتیبات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی کشور بود، برای نخستین بار مردم ناخوشایند نارضایتی عمومی را چشید. این امر به ناصرالدین شاه که در طول سلطنت طولانی خود هرگز عادت به شنیدن واژگانی کمتر از اظهار بندگی از سوی مردم را نداشت، بسیار سنگین می آمد. از این دوره به بعد، ایران تبدیل به آوردگاه بی سابقه ی ایستادگی توده ی مردم در مقابل خواسته های دولت های استعماری و قدرت خودکامه ی شاه تبدیل شد. شرایط و جریان های بوجود آمده، سبب ایجاد لایه های اجتماعی شد که از مهمترین آنها می توان به طبقه ی روشنفکران اشاره کرد. حذف ناصرالدین شاه

از صحنه ی سیاسی کشور و آمدن پادشاهی که از بسیاری جهات با پدر متفاوت بود، شرایط را به شکلی نامحسوس آماده ی پذیرش تغییراتی نو می کرد. شتاب دهنده هایی همچون اوضاع نابسامان اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور، روند اجرایی تغییرات را تسریع می بخشید. وجود مؤلفه ی قدرتمندی همچون روحانیت که از سوی توده ی مردم و بازار حمایت می گردید، حرکت براندازی استبداد و حرکت به سوی قانون و عدالت را سریع تر کرد و مظفرالدین شاه را وادار به صدور فرمان مشروطیت ساخت. با فعالیت مجلس، سرانجام نخستین قانون اساسی ایران تدوین گردید. نوع استبدادی جانشین مظفرالدین شاه و مخالفت تدریجی وی با نظم نوین سبب رویارویی مشروطه طلبان با وی گردید که در نهایت منجر به حذف محمدعلی شاه از صحنه سیاسی کشور و روی کار آمدن فرزندش احمد شاه گردید. دیدگاه خاص احمد شاه قاجار نسبت به مائیل داخلی و بین المللی نظیر عدم تسلیم در برابر فشارهای دولت انگلیس در امضاء قرارداد ۱۹۱۹ و تعهد به اجرای قانون اساسی کشور، مخالفت با احداث راه آهن جنوب به شمال توسط انگلیسی ها که به جای جنبه ی اقتصادی، بعد نظامی داشت از سوی سبب قطام امید انگلستان از وی گردید و از سوی دیگر عواملی چون ضرورت برقراری امنیت در ایران جهت نیل به مطامع اقتصادی انگلستان به ویژه صدور آسان نفت برای کشتی های جنگی انگلستان و ممانعت از دسترسی رقبا به این منبع ارزشمند، ایجاد حکومت نظامی قریب منظور سرکوب جنبش های استقلال طلبانه همچون قیام شیخ محمد خیابانی، جنبش میرزا کوچک خان جنگلی، قیام کلنل محمدتقی خان پسیان، قیام رئیسعلی دلواری در دشتستان و خیزش های پراکنده در شهرهای دیگر و جلوگیری از نفوذ کمونیسم، دولت انگلستان را بر آن داشت که به دنبال یک مهره ی جایگزین که بتواند اهداف انگلیس را تحقق بخشد، بیافتد. از میان کاندیداهای مورد نظر انگلیس، برای اجرای

این امر افرادی نظیر سردار اسعد بختیاری، امیر موثق نخبوان، سالار جنگ، نصرت الدوله فیروز، سید ضیاءالدین طباطبایی و رضاخان میرننج به عنوان عوامل سیاسی و نظامی کودتا انتخاب شدند.

در تبیین کودتای ۱۲۹۹ رضاخان و استقرار سلطنت پهلوی باید نقش قانون جهان وطنی مورد توجه قرار گیرد که در فرهنگ سیاسی معاصر از آن به «صهیونیسم» تعبیر می شود. این قانون پیوندهای وسیع و عمیق با زرسالاری یهودی داشت. این کودتا با دستور مستقیم لرد ریدینگ نایب السلطنه وقت هند و سر وینستون چرچیل وزیر جنگ، بریتانیا به سراردشیر ریورتر و ژنرال آیرون ساید آغاز شد و به فرجام رسید. در تاریخ نگاری بریتانیا از عناصر وابسته به این قانون مانند لرد روزبری، چرچیل، بالفور و غیره، گاهی با عنوان «صهیونیست های مسیحی» یاد می شود.

کودتای رضاخان در زمان «لوید جرج» در بریتانیا صورت گرفت. این همان دولتی است که اعلامیه ی معروف بالفور (۲ نوامبر ۱۹۱۷) را به سود صهیونیست ها صادر کرد. لوید جرج شخصاً با «استی» فراوان از اعلامیه بالفور پشتیبانی کرد و آن را گامی به سوی تأسیس یک دولت یهود شمرد.

رضاخان پس از موفقیت در کودتا، به مقام «وزیر» جنگ منصوب شد. سپس در آبان ۱۳۰۲ شمسی با حفظ سمت پیشین با فرمان شاه به مقام ریاست الوزرای منصوب گردید. پس از انتصاب به مقام نخست-وزیری، تلاش های را برای کسب و تثبیت قدرت آغاز کرد و در این راه دست به اقداماتی زد که به برخی از آن ها اشاره می گردد.

۱- دخالت در انتخابات و فرستادن طرفداران خود به مجلس:

رضاخان خوب می دانست برای اینکه اقداماتش در آینده مورد مخالفت قرار نگیرد و حتی پشتیبانی مجلس را به دنبال داشته باشد، باید عناصر وابسته ی خود را

وارد مجلس سازد. لذا با دخالت های غیرقانونی در انتخابات مجلس پنجم و به کمک فرماندهان قشون، به جز در تهران و چند شهر بزرگ دیگر که انتخابات آن نسبتاً آزاد بود، سایر مناطق را در سلطه ی نیروهای نظامی درآورد و افراد مورد نظر را به مردم تحمیل نمود. اما به رغم تلاش مأموران سردار سپه، تعدادی از مخالفان وی از جمله شهید سید حسن مدرس به مجلس راه یافتند و فراقسیون اقلیت را تشکیل دادند به عنوان نمونه ای از دخالت رضاخان در انتخابات مجلس تلگرافی که وزارت جنگ به تاریخ ۱۶ جوزای ۱۳۰۲ به ایالت فارس ارسال شده است، عیناً آورده می شود.

«ایالت جلیلهی فارس، در رتیب تلگرافات سابق، مقتضی است قدغن فرمائید که در انتخابات نوبخت از پوشش مساعدت نشود. حکمت هم که جزو کاندید شهر شیراز است، از جهرم بفرمائید بشود. رایع به ضیاءالواعظین بایستی هر طور است اقدامی بفرمائید که از انتخاب مشارالیه خارجگری بعمل بیاید. نمره ۱۲۳۳، وزیر جنگ و فرمانده کل قشون: رضا»

۲- رضاخان و نهضت جمهوری خواهی:

دولت با دخالت در انتخابات سبب شد که اکثریت قاطع و ۹۰ درصد مجلس پنجم داشته باشد و با تمهیداتی که از سوی طرفداران جمهوری رضاخان مثل فراقسیون های تجدّد به رهبری تدین و سوسیالیست ها به رهبری میرزا سلیمان اسفندی در مجلس صورت گرفت، غائله ی جمهوری خواهی آغاز گردید. در کنار این اقدامات و تبلیغاتی که از سوی هواداران رضاخان به راه افتاد، وی دستورالعملی به امیران لشکرهای خود ارسال داشت تا به حمایت از جمهوری تلاش کنند. در این میان روحانیان مبارزی مانند شهید مدرس و تنی چند از آزادی خواهان به مخالفت با جمهوریست برخاستند و در نهایت این امر به شکست انجامید. رضاخان که شدیداً

متأثر از ناسیونالیسم مصطفی کمال آتاتورک رهبر ترکیه بود، به تأسی از وی برای استقرار جمهوری تلاش کرد. اما روحانیون به عنوان یک طبقه ی متنفذ، از جمهوری غیر مذهبی ترکیه بیش از هر چیز واهمه داشتند. او پس از مسافرت به قم و مذاکره با شیخ عبدالکریم حائری و سایر آیات عظام به طور موقت از موضوع جمهوری خواهی منصرف شد و در بیانیه ای اعلام کرد که مقتضی است تقاضای جمهوری موقوف گردد.

۳. سانسور و توقیف مطبوعات:

بعد از سانسور و توقیف جراید با اولین بیانیه ی رضاخان بعد از کودتا آغاز گردید. به ویژه طی سال های ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۷ که دوره ی تثبیت حاکمیت استبدادی رضاخان است. در این دوره دیگر گونی وسیعی در مطبوعات که تا پیش از این جسورانه نظر خود را نسبت به مسائل سیاسی، اقتصادی و انتقاد از حکومت و دفاع از استقلال و آزادی بیان می کردند، ضرورت نداشت. مطبوعات این دوره بر اثر فشار دستگاه حاکمه و ترس از ابراز هر گونه اظهار نظر آزادانه، از معنی و محتوا خالی شد و جز تبلیغ و نشر افکار مورد حمایت دولت استبدادی نقشی بر عهده نداشتند. در این دوره آن دسته از مطبوعات که به خود جرأت انتقاد از عملکرد هیأت حاکمه می دادند مشمول سانسور و توقیف می گردیدند. مسلم است که این سانسور و توقیف همانند سایر اقدامات رضاخان یک دفعه به وجود نیامد، بلکه سیر تاریخی را طی نمود.

۴. متحدالشکل نمودن البسه ی مردم:

متحدالشکل کردن لباس مردم یکی دیگر از وقایع مهم دوره ی رضاخانی بود. وی که به سنت و تفکر دینی و مبانی ارزشی حاکم بر جامعه ی ایران به عنوان مانعی جدی در راه مدرنیته می نگریست، در راستای تحول در فرهنگ و سنت جامعه و در

جریان تجددگرایی و تلاش برای مدرن سازی، دستور متحدالشکل نمودن لباس های مردم و اجباری شدن استفاده از کلاه پهلوی را صادر کرد.

۵- برنامه های عمرانی، اقتصادی و نظامی رضاخان:

وی با تأسیس ادارات به سبک نوین به ساماندهی وضعیت اداری پرداخت و به یکی کردن نیروهای نظامی کشور و تشکیل ارتش ایران مبادرت نمود. از دیگر اقدامات او در این زمینه، می توان به موارد زیر اشاره کرد:

- فرستادن دانشجویان ایرانی به خارج از کشور برای تحصیل

- پایه گذاری بانک ملی ایران

- ساخت راه آهن سراسری ایران

- جاده سازی در سراسر کشور

- تأسیس دانشگاه تهران

- تأسیس فرهنگستان ایران و...

۶- کشف حجاب:

رضاخان از هنگام ورود به صحنه ی سیاسی ایران سلطنتش در مورد زنان، به ویژه حجاب آنان، بنا به اقتضای موقعیت، مواضع گوناگونی اتخاذ کرد. وی هنگامی که نخست وزیر بود از ۱۳۰۲ تا ۱۳۰۴ عمداً و هوشیارانه از طرح موضوع حجاب پرهیز می کرد و همانند آغاز به قدرت رسیدنش، سیاستی محتاطانه در مسائل دینی در پیش گرفته تا علماء و جامعه ی مذهبی کشور از وی رنجیده نشوند. در حالی که در این دوره مخالفت با حجاب در بین افراد تحصیل کرده ی شهری در حال افزایش بود، ولی رضاشاه درباره ی موضوع حجاب تا حدودی تردید داشت. از عوامل خارجی مؤثر بر تسریع جریان کشف حجاب، یکی توقف امان الله خان پادشاه افغانستان و همسرش در تهران در خرداد ماه ۱۳۰۷ به هنگام بازگشت از سفر اروپا

بود که در این سفر همسر امان الله خان بدون حجاب ظاهر شد. عامل دیگر سفر رضاشاه به ترکیه و ملاقات او با آتاتورک رهبر ترکیه و بازدید وی از دستاوردهای تحولات انجام گرفته در ترکیه بود. رضاشاه برای تحقق سیاست همگون سازی زنان جامعه‌ی ایران با جوامع اروپایی و زمینه سازی جهت ترویج بی‌حجابی، سیاستی تدریجی و گام به گام در پیش گرفت که مهم ترین آنها عبارتند از:

(۱) حضور بدون حجاب همسر رضاشاه در حرم مطهر حضرت معصومه در قم به سال ۱۳۰۶، و اعتراض مرحوم شیخ محمدتقی بافقی به این امر؛ این واقعه سبب گردید که رضاخان شخصاً به قم رفته و دستور دستگیری و زندانی نمودن مرحوم شیخ را صادر نماید.

(۲) حضور حزب نصیبان حکومتی به همراه همسران بی حجابشان در تفرجگاه‌ها و اماکن عمومی.

(۳) انتشار شایعه بی حجابی عمومی در نوروز ۱۳۰۸ هجری شمسی؛ پخش چنین شایعاتی در زمینه سازی و آمادگی افکار عمومی تأثیر فراوانی داشت.

(۴) برگزاری جشن های مختلط و مراسم مختلف و حضور زنان بی حجاب در آن مراسمات.

(۵) تأسیس کانون بانوان به ریاست شمس، دختر بزرگ شاه.

(۶) فاجعه‌ی مسجد گوهرشاد و برخورد نظامی خشونت آمیز با مخالفان بی حجابی.

(۷) صدور بخشنامه وزارت آموزش و پرورش مبنی بر محرومیت دختران باحجاب از دریافت جایزه یا دیپلم و عدم پرداخت حقوق به آموزگاران که از چادر استفاده می‌کنند.

(۸) حضور ملکه و دخترانش بدون حجاب به همراه رضاشاه در مراسم افتتاح

دانشسرای مقدماتی نوینیا تهران در هفدهم دی ماه ۱۳۱۴.